گفت‌وگو

محمدصادق عبدالهی

بررسی مفهوم «مروت انقلابی» در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سیدحمید روحانی، مورخ تاریخ انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی به جای مجازات دشمنان بیشتر مروت کرد

در فرازی از بیانیه گام دوم می‌خوانیم: «این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خونریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروّت انقلابی... مایه سربلندی ایران و ایرانی است.» برای بسط و شرح این فراز مصاحبه‌ای با حجت‌الاسلام دکتر سیدحمید روحانی، رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ترتیب داده‌ایم. او که از اعضای دفتر امام خمینی(ره) در نجف و بعدها از همراهان امام(ره) در پاریس بوده است در این مصاحبه خاطرات قابل توجهی از مروت انقلابی امام(ره) با مخالفان خود نقل می‌کند. مشروح گفت‌وگو با ایشان در ادامه از نظر می‌گذرد.

حمید رضائی‌مهر | جوان

با پیشینه‌ای که از انقلاب‌های اصلی جهان در ذهن داریم در برخورد اول با عبارت «مروت انقلابی» نوعی پارادوکس و تناقض به ذهن می‌رسد. در انقلاب‌هایی همچون شوروی یا فرانسه بعد از پیروزی، انقلابیون هزاران مخالف را به چوبه اعدام و تیغ گیوتین سپردند. انقلاب اسلامی اما چه کرد و چه تفاوتی با انقلاب‌های جهان دارد که رهبر انقلاب این کلیدواژه را با اطمینان خاطر از قلم جاری می‌کنند؟

از آنجا که انقلاب اسلامی ریشه در اسلام دارد بهتر است بحث را از اسلام شروع کنیم. اسلام در کشور ما به درستی توضیح و تبیین نشده و به همین جهت موجب انحرافاتی هم شده است. اسلام دین محبت و عطوفت و عاری از خشونت و خونریزی است. وقتی این را می‌گوییم برخی دچار اشتباه می‌شوند و تصور می‌کنند اگر اسلام دین رأفت است نباید جنگ و مقاتله و ستیز داشته باشد اما اینها انحراف است چراکه اسلام همان را می‌گوید که عقل حکم می‌کند. عقل اگر اقتضا می‌کند انسان آزاده باید رأفت، عدالت و انسانیت داشته باشد، به همان انسان می‌گوید اگر جان، مال و ناموست در خطر است از خودت دفاع کن. اسلام دین عطوفت است اما دین ذلت نیست و در مقابل متجاوز همان‌طور که عقل می‌گوید ایستادگی می‌کند. در پاریس که خدمت امام بودیم خبرنگاری با من مصاحبه کرد؛ من یکی از ویژگی‌های امام را این‌طور برشمردم که حتی از کشتن پشه‌ها هم ابا دارد و در خانه ایشان چیزی به اسم حشره‌کش وجود ندارد. این خبرنگار پرسید این فرد که این‌قدر عطوفت دارد چطور راضی می‌شود این همه افراد در داخل ایران زخمی یا کشته شوند؟ من برایش مثال زدم و گفتم الان اگر یک پزشک که انسان تحصیلکرده و متمدن هم هست، چشمی را که عفونت کرده جراحی کند می‌گویید چرا خشونت به خرج می‌دهد؟ امام علی(ع) می‌گوید اگر تمام دنیا را به من بدهند که یک دانه‌ای را از دهان مورچه‌ای بیرون بکشم این کار را نمی‌کنم حالا همین حضرت را می‌بینید چطور در جنگ‌ها جانانه می‌جنگند. انقلاب ما هم همین بود؛ وقتی نهضت امام آغاز شد، امام با هر گونه خشونت و فعالیت چریکی مخالف بود. شخص امام برای من روایت کرد که در همان اوایل نهضت، فردی ارتشی پیش من آمد و گفت من ماهی یک بار با شاه ملاقات دارم و در این ملاقات هم هیچ بازرسی بدنی نمی‌شوم. اگر شما آخرت من را تأمین می‌کنید من به خودم نارنجک می‌بندم و در یکی از ملاقات‌ها او را می‌کشم اما امام اجازه ندادند چراکه امام اهل مروت انقلابی و معنویت بود و راضی نبود از بینی کسی خون بیاید اما همین امام وقتی دشمن دست به تجاوز می‌زند، مقاومت می‌کند و تسلیم نمی‌شود. اسلام و انقلاب اسلامی دین رأفت و محبت است و اهل ذلت نیست. این را اگر مقایسه کنید با انقلاب‌های دیگر جهان بیشتر عیان می‌شود. ببینید شوروی و فرانسه بعد از انقلاب‌هایشان چقدر خون ریختند، چقدر مخالفان خود را کشتند تا توانستند بر اوضاع مسلط شوند اما انقلاب ما از همان روز اول پیروزی راه‌ها را باز کرد و حتی کسانی را که مستقیم در جنایات دست نداشتند رها گذاشت. این مروت انقلاب تا آنجا بود که یکی از شکنجه‌گران ساواک به اسم کمالی (اسم اصلی‌اش اگر اشتباه نکنم کمانگر بود) آمد و درخواست حقوق کرد؛ دشمن اما چه کرد؟ از این مروت انقلاب سوءاستفاده کرد و ۱۷هزار شهید روی دست ما گذاشت. تفاوت انقلاب ما با انقلاب‌های دیگر این بود که انقلاب ما با خونریزی و آدم‌کشی و سفاکی و تجاوز به پیروزی نرسید بلکه با مقاومت و ایستادگی پیروز شد، اما متأسفانه حالا دشمن وقایع را تحریف می‌کند و طور دیگر جلوه می‌دهد.

از جمله نکاتی که شاید وقتی از مروت انقلابی نام می‌بریم، تداعی می‌شود، اعدام سران رژیم سابق است. از این حیث شبهات زیادی هم وارد شده است. برخی مثلاً به روند دادگاه‌های ابتدای انقلاب اعتراض دارند و یا برخی از افراد را شایسته اعدام نمی‌دانستند.

ببینید قصاص در اسلام مسئله مهمی است. قصاص مایه حیات است؛ این یعنی چی؟ یعنی اگر قصاص را برای جنایتکار جاری نکنی راه زندگی، امنیت و آسایش جامعه مختل می‌شود. کسی که تجاوز کرده، آدم کشته، شکنجه داده و مثل تیمسار نصیری در جریان ۱۵ خرداد قتل عام کرده و خون هزاران نفر را به زمین ریخته که نمی‌شود به بهانه انسانیت قصاصش نکرد. اتفاقاً اگر کسی این جنایات را کرد و با او مقابله نکردیم راه تجاوز باز می‌شود. آن نفرات اصلی که بعد از انقلاب اسلامی اعدام شدند عمدتاً کسانی بودند که یا در قتل عام و ظلم به مردم مستقیماً دست داشته‌اند یا غیرمستقیم فرماندهی کرده بودند. آمار اینها را من الان دقیق در ذهنم ندارم، ولی آن‌قدر کم است که می‌توانیم همین الان بنشینیم بشماریم، این آمار را مقایسه کنید با کشورهایی مثل شوروی و فرانسه که بعد از انقلاب چند هزار و بلکه چند میلیون نفر را کشتند. افرادی که بعد از انقلاب اسلامی اعدام شدند جنایت و خونریزیشان محرز بود. فرمانده اصفهان که اعدام شد، توپ گذاشته بود رو به مرکز شهر اصفهان و گفته بود اگر شاهنشاه دستور دهد شهر را با خاک یکسان می‌کنم، خب این آدم که چنین ظلمی می‌کند حقش قصاص نیست؟ اصلاً عقل می‌گوید باید او را به سزای عملش رساند. تیغ قصاص اگر کند شود دزدی، تجاوز، اختلاس، فساد و ظلم بالا می‌گیرد و جامعه آلوده می‌شود و مردم ضرر می‌کنند. حالا متأسفانه دشمن با شگردهای تبلیغاتی و امپریالیسم خبری جوسازی می‌کند. مثلاً می‌گویند خلخالی همه را به خط کرد و یک در میان گفت تو اعدام، تو آزاد، به نفر آخر که رسید طرف زد زیر خنده، خلخالی گفت می‌خندی؟ پس برعکسش می‌کنیم تو اعدام، کنار پت آزاد و ردیف را بر عکس حکم اعدام و آزاد داد. یا مثلاً می‌گویند به خلخالی گفتند فلانی را که اعدام کردی بی‌گناه بود، گفت اشکال ندارد، شهید حساب می‌شود! خب این چیزها شایعه است. یک نفر را اسم بیاورند و بگویند این بی‌گناه بود و اعدامش کردند. خلخالی جز آنکه وظیفه قضایی‌اش بود، انجام نداد اما دشمن از کاهی کوه می‌سازد و او را خراب می‌کند. از سویی ما هم روشنگری نکردیم و وظیفه‌مان را انجام نداده‌ایم. اگر همان روز اول آمار اعدام‌شدگان را می‌دادند و دلیل اینکه هر کدام برای چه اعدام شدند را اعلام می‌کردند این شبهات پیش نمی‌آمد. حالا بله شاید اشتباهات یا ضعف‌هایی در دادگاه‌های اول انقلاب و روندهای آن بوده، اما طبیعی است. هرج و مرج اول انقلاب به حدی بود که نه دستگاه قضایی و نه سایر دستگاه‌ها نتوانستند به نحوه احسن به وظایف خود عمل کنند.

> به خاطر دارم در روز هفت تیر که بیش از ۷۲ تن از بهترین نیروهای این نظام از دست رفتند امام(ره) به حاج‌احمد آقا می‌گوید زنگ بزن به زندان اوین و به آقای محمدی گیلانی بگو که امروز دادگاهی برای منافقینی که در زندان در حال محاکمه هستند برگزار نشود؛ خیلی حرف است! امام(ره) چون احتمال دادند ناراحتی و عصبانیت قاضی و دستگاه قضایی در رأی‌های صادر شده، تأثیر بگذارد، گفتند فعلاً دادگاه‌ها را متوقف کنید. این رأفت اسلامی و روحیه مروت انقلابی است

شما که ناظر صحنه بودید به نظر تان مروت انقلابی در همین اعدام‌ها هم جاری بود؟

بله به خاطر دارم در روز هفت تیر که بیش از ۷۲ تن از بهترین نیروهای این نظام از دست رفتند امام(ره) به حاج‌احمد آقا می‌گوید زنگ بزن به زندان اوین و به آقای محمدی گیلانی بگو که امروز دادگاهی برای منافقینی که در زندان در حال محاکمه هستند برگزار نشود؛ خیلی حرف است! امام(ره) چون احتمال دادند ناراحتی و عصبانیت قاضی و دستگاه قضایی در رأی‌های صادر شده، تأثیر بگذارد، گفتند فعلاً دادگاه‌ها را متوقف کنید. این رأفت اسلامی و روحیه مروت انقلابی است، انقلاب اسلامی این است که در عین رأفت، تسلیم‌ناپذیری و قصاص را هم دارد و جنایتکار را به سزای عملش می‌رساند.

یک سؤال دیگر بپرسیم و از این مسئله بگذریم؛ آقای دکتر صادق زیباکلام در مطلبی که از ایشان در مجله اندیشه پویا چاپ شده بود، نقل می‌کند که در کردستان آقای خلخالی آمد و به من اتهام جاسوسی زد و گفت پرونده این را بیاورید تا حکمش را بدهم. پرونده را که آوردند، همین که خواست مشغول شود از تهران تلفن زدند و گفتند خلخالی سریع به تهران بیاید، او هم پرونده را رها کرد و رفت تهران و اگر این اتفاق نمی‌افتاد من را به جرم جاسوسی اعدام می‌کرد. این به نظر شما چقدر صحت دارد؟

تعامل نظام با ایشان خودش مصداقی از مروت انقلابی است. یک استاد می‌ایستد سر کلاس و از رضاشاه حمایت می‌کند و دوران او را دوران پیشرفت می‌داند. آیا در دوران شاه کسی می‌توانست یک کلمه فقط بگوید پادشاهان قاجار بد نبودند؟ همین الان در کشورهای به قول آقایان مهد تمدن، کسی می‌تواند بگوید هلوکاست دروغ بود؟ اما در کشور ما یک نفر که حقوق از نظام می‌گیرد، راست راست سر کلاس تبلیغ پهلوی را می‌کند! این مروت انقلابی را کسی نمی‌بیند و بعد آن روایت مسخره تماس از تهران را علم می‌کنند. متأسفانه تبلیغات نظام ضعیف است و نمی‌تواند وقایع را آن‌طور که هست به مردم نشان دهد. یادم هست یک بار مرحوم امام(ره) به من گفتند بروید جنایات ۵۰ ساله این پدر و پسر را بیرون بکشید و منعکس کنید تا از اینها در آینده انوشیروان عادل نسازند که متأسفانه ما از پس این کار برنیامدیم و این رسالت را انجام ندادیم و حالا یک جنایتکار که کشور ما را تسلیم بیگانه کرد و ما را بیش از ۱۰۰ سال به عقل کشاند به عنوان کسانی که به کشور خدمت کرد معرفی می‌شود! جالب‌تر این است که اینها را می‌گویند و باز هم نق می‌زنند که در کشور آزادی نیست. من سر کلاس‌هایم به دانشجویان می‌گویم شما از من می‌پرسید چرا انقلاب کردید؟ آیا در زمان پهلوی کسی جرأت داشت بپرسید چرا کودتا کردند؟ چرا شاه در کودتای ۲۸ مرداد وقتی مردم او را بیرون کرده بودند، به کشور بازگشت؟ اینها مروت انقلابی نظام با مخالفان خودش است.

یکی از مواردی که به نظرم نمود مروت انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی(ره) است، نحوه مواجهه امام با نهضت آزادی است. اما هیچ‌گاه نهضت را شایسته به دست گرفتن دولت نمی‌دیدند اما باز هم مروت به خرج می‌دهند و با احترام به حرف اطرافیان نمی‌گذارند این جریان مدعی باقی بماند. بعد از عزل نهضت هم حرف‌های تندی درباره اندیشه این جریان می‌زند اما شخصیت‌شان را محترم می‌شناسند. بعد از حضرت امام هم مقام معظم رهبری همین منش را دنبال کردند و این را می‌شود در پیام‌های صادر شده از سوی ایشان برای فوت مرحوم بازرگان و سحابی دید.

حالا نه با نهضت آزادی بلکه امام(ره) نسبت به همه کسانی که با ایشان اختلاف فکری داشتند با مروت و عطوفت انقلابی برخورد می‌کردند. مثلاً وقتی امام(ره) نامه به گورباچف را نوشتند و در آن نامه می‌خواستند او را کمی با اسلام آشنا کنند توصیه کردند به کتاب ابن‌عربی مراجعه کند. خب ابن‌عربی از علمای اهل تسنن است اما در زمینه مسائل فلسفه خیلی قوی است. امام هم از همین جهت که برای شناخت اسلام باید از راه فلسفه وارد شد، این پیشنهاد را داده بودند. یکی از علمای بی‌سواد قم نامه‌ای به امام نوشتند و گفتند تو اگر شیعه ابن‌عربی هستی ما شیعه امام صادق(ع) هستیم، چه حقی داشتی به گورباچف بگویی سراغ ابن‌عربی برود؟ دستگاه قضایی اینجا برآشفت و خواست به جرم هتاکی به امام(ره) ایشان را تعقیب کند اما امام(ره) فرمودند من راضی نیستم کسی کاری به ایشان داشته باشد و تعرضی کند. یا یادم هست یک بار یکی از اهالی آبادان یا خرمشهر که خانه‌اش در اثر موشک‌باران‌های صدام ویران شده بود از امام(ره) شکایت کرده بود و قاضی هم که حالا یادم نیست کی بود ولی انصافاً کارش لایق تحسین است برای امام احضاریه فرستاده بود. امام آماده شده بود که بروند دادگاه که آقای موسوی اردبیلی آمدند عذرخواهی و بعد رفتند آن فرد را پیدا کردند و برایش خانه‌ای خریدند. ببینید امام(ره) این بود و این‌قدر مروت انقلابی داشت و حتی نسبت به افرادی که علیه ایشان حرف می‌زدند و شبهه می‌کردند با رأفت برخورد می‌کرد. شیخ‌علی تهرانی در رادیو عراق به امام فحش می‌داد، نه اینکه نقد کند یا مثلاً بگوید جاسوس است و فلان، نه فحاشی می‌کرد، امام هم گوش می‌دادند و در نهایت گفتند من او را حلال کرده‌ام و بخشیده‌ام. این مروت انقلابی است. درباره نهضت آزادی هم امام با وجود اینکه اینها را به خاطر اینکه خط سازش با امریکا را دنبال می‌کردند لایق کشورداری نمی‌دانست اما با اینها رأفت داشت و از شان دلجویی می‌کرد. کسی که امام را بشناسد تعجب نمی‌کند. یک وقتی از امام سؤال شد یکی از بستگان ما عضو منافقین و ضدانقلاب است با او رابطه داشته باشیم یا نه؟ فرمودند با او رابطه داشته باشید و قطع رابطه نکنید و اگر توانستید در او تغییر ایجاد کنید.

جایی به نقل از حجت‌الاسلام رحیمیان خواندم که آقای بازرگان سال‌ها بعد از نخست‌وزیری در دفتر امام رفت و آمد داشتند و حتی یک بار ایشان نامه‌ای را که از خارج برای امام آمده بود برای ترجمه به آقای بازرگان می‌دهند اما چون به زبان ایتالیایی نوشته شده و آقای بازرگان متوجه نمی‌شدند نامه را می‌برند وزارت خارجه ترجمه می‌کنند و بعد هم با امام ملاقات کرده و امام به عنوان فردی مسلمان که نماز، روزه و آداب عبادی‌اش سرجایش بود، به او احترام می‌گذاشتند.

البته من فکر نمی‌کنم امام(ره) به خاطر شرط نماز و روزه با بازرگان مروت داشتند. امام(ره) تا کسی را خائن نمی‌دانست سعی می‌کرد رابطه را حفظ کند و نماز و روزه برای ایشان ملاک نبود. یک چیزی برای امام ساخته‌اند که امام گفتند مصدق مسلم نبود، یکی از آدم‌های بی‌سواد می‌گوید من رفتم به امام گفتم من به چشم خودم دیدم که مصدق خمس و زکات می‌داد و امام فرمودند پس مسلم است. اینها چرت و پرت است و کسی می‌گوید که انسان را نشناخته است. یک انسان ممکن است نعوذبالله عرق‌خور باشد، تارک‌الصلاه باشد، خمس که هیچ دزد هم باشد اما مسلمان باشد و به خدا و پیامبر و قرآن اعتقاد داشته باشد، این گناهان باعث کفر نمی‌شود اما کسی دیگر ممکن است نماز شب هم بخواند اما کاری کند که کافر شود. لذا امام این مسائل برایش مطرح نبود.

مواجهه انقلاب اسلامی و امام با بنی‌صدر هم مصداق بارزی از مروت انقلاب اسلامی است. درباره این مواجهه نکته خاصی را به یاد دارید؟

بنی‌صدر، در خاطراتش هم آورده است، وقتی می‌رود جماران و به امام(ره) می‌گوید می‌خواهم کاندیدا شوم، امام می‌فرمایند تو صلاحیت نداری، اما وقتی به‌رغم نظر امام ایشان کاندیدا می‌شود و ۱۱میلیون رأی می‌آورد اینجا دیگر امام به آرای مردم احترام گذاشت. آقای هاشمی رفسنجانی می‌گوید ما می‌رفتیم به امام می‌گفتیم بنی‌صدر منحرف است ولی امام چون در جامعه نبود و بنی‌صدر را نشناخته بود از او حمایت می‌کرد! چرا آقای هاشمی این حرف را می‌زند چون اهل سیاست‌بازی است، منتظر است امام چون قدرت دارد رأی مردم را زیرپا بگذارد و بگوید بنی‌صدر کنار برود. در حالی که اگر امام این کار را می‌کرد دیگر امام نبود بلکه پادشاه بود. تا روزی که مردم رأیشان را از بنی‌صدر پس نگرفتند از بنی‌صدر حمایت کرد که این نه به معنای حمایت از شخص بنی‌صدر بلکه حمایت از رأی مردم بود. بعد هم دیدید که در سخنرانی‌اش گفت من به این جوان گفتم فریب منافقین را نخور و بیا بنشین و کارهای علمی‌ات را انجام بده. این مروت است که امام قبل از اینکه ایشان از کشور فرار کند با وجود همه خیانت‌ها با علیه دستگاه قضایی ایجاد شبهه می‌کرد بعد هم که علیه رهبری صحبت می‌کردند اما تنها برخوردی که با ایشان شد، حصر آن‌هم حصری نصفه و نیمه بود!

اینها همه مروت انقلابی را نشان می‌دهد. واقعاً کدام کشوری است که در دوران اولیه انقلاب، یک نفر در رأس قدرت خنجر از پشت بزند اما تنها در حد عزل شدن با ایشان برخورد شود. اگر انقلاب‌های دیگر بود و کسی از رهبران نهضت این‌طور خیانت می‌کرد و کمر انقلاب را خم می‌کرد قطعاً برخوردهای شدیدی با او می‌شد اما در انقلاب ما حتی ایشان به خاطر حرف‌های بی‌ربطی که علیه نظام و قوه قضاییه زد محاکمه هم نشد و با مروتی که امام به خرج دادند بعد از عزل شدن حتی به ایشان توصیه کردند بنشینید در حوزه و کار علمی کنید تا شاگردانتان از وجود شما استفاده کنند، اما همان جا هم گفتند که من می‌دانم تو بالاخره چیزهایی را می‌نویسی که آخرت خودت را خراب می‌کنی که این از معجزات امام است چراکه بعد دیدیم آقای منتظری آن خاطرات پر از دروغ و تحریف را نوشت که باز جالب است این کتاب در زمان حیات ایشان چاپ می‌شود. در هر کشوری اگر بعد از انقلاب یکی از رهبران چنین خاطراتی را می‌نوشت قطعاً با او برخورد می‌شد اما ایشان کتابش را چاپ کرد و نه محاکمه‌ای رخ داد و نه چیز دیگری و تازه احترامش را هم حفظ کردند!

بعد از رحلت حضرت امام، مقام معظم رهبری هم بر همان مشی مروت انقلابی حرکت کردند که شاید بارزترین مصداقش نحوه مواجهه ایشان با مرحوم هاشمی رفسنجانی است. مقام معظم رهبری با همه اختلافاتی که با ایشان داشتند و بر کسی هم پوشیده نبود اما همیشه با ایشان با همان مشی مروت انقلابی برخورد کردند و همواره چه در برابر تخریب‌های اصلاح‌طلبان و چه در برابر تخریب‌های احمدی‌نژاد از ایشان حمایت کردند.

علاوه بر هاشمی، شما نوع مواجهه رهبری با احمدی‌نژاد را ببینید. بنی‌صدر به خود من گفت با نظرسنجی که کرده‌ایم من در بین مردم بیش از ۷۰درصد محبوبیت دارم و آقای خمینی محبوبیتش افت کرده و تا ۴۷درصد آمده است. این اشتباه را احمدی‌نژاد هم داشت. ۱۱ روزی که احمدی‌نژاد خانه نشست خب خیلی رفتار بد و در حد توطئه بود. او فکر می‌کرد با این کار موجی در میان ملت ایجاد می‌شود و ملت علیه رهبری به حرکت درمی‌آیند و او می‌تواند بر این موج سوار شود اما با این کار و ضربه‌ای که او زد مقام معظم رهبری با مروت انقلابی گذشت

> شیخ‌علی تهرانی در رادیو عراق به امام فحش می‌داد، نه اینکه نقد کند یا مثلاً بگوید جاسوس است و فلان، نه فحاشی می‌کرد، امام هم گوش می‌دادند و در نهایت گفتند من او را حلال کرده‌ام و بخشیده‌ام. این مروت انقلابی است

مروت انقلابی به او پیام می‌دهد که از منافقین دوری کن و بیا کارهای علمی‌ات را انجام بده. اینها خیلی مهم است. این منطق امروز در مقام معظم رهبری هم دیده می‌شود که ایشان به رأی مردم احترام می‌گذارند و در مواردی که حتی رئیس جمهوری انتخاب می‌شود که با ایشان هم‌نظر نیست به خاطر رأی مردم تماماً حمایت می‌کند.

نحوه برخورد امام(ره) با مارکسیست‌ها هم بر همین اساس بود؟ ایشان در آن جمله معروف فرمودند: «مارکسیست‌ها در ابراز عقیده آزادند.»

این را امام در اولین مصاحبه‌ای که روزنامه لوموند با ایشان انجام داد، فرمودند. از امام درباره همکاری با کمونیست و حزب توده سؤال شد که امام فرمودند ما با اینها هیچ همکاری نداریم و اینها از پشت به ما خنجر می‌زنند. بعد سؤال کردند شما اگر حاکم شوید با اینها چه می‌کنید؟ امام فرمودند کمونیست‌ها در ابراز عقیده آزادند اما در توطئه آزاد نیستند. در عمل هم دیدیم که بعد از انقلاب کمونیست‌ها و فداییان خلق در ایران نشریه و فعالیت سیاسی داشتند و در سر چهارراه‌ها نشریاتشان را می‌فروختند و بحث می‌کردند اما وقتی به توطئه دست زدند و جریانی از توطئه کشف شد با اینها برخورد شد.

یکی دیگر از جریانات برجسته‌ای که مروت انقلابی در آن به چشم می‌آید برخورد انقلاب اسلامی با آقای منتظری است. آقای منتظری علیه امام موضع می‌گرفت و رسماً کرد و هیچ برخورد غیرمتعارفی انجام نداد در حالی که حق ایشان برخوردهایی بیش از این بود.

در دوره اصلاحات هم وقتی حتی مجلس را به تعطیلی کشاندند یا در فتنه ۷۸ و ۸۸ به‌قول رهبری کشور را به لبه پرتگاه کشاندند نظام با اینها با مروت انقلابی برخورد کرد. حتی در سال ۸۸ دیدیم که بعد از انتخابات تا یک سال بعد فقط مواجهه نظام با سران فتنه مواجهه‌ای پدرانه و همراه با مروت و رأفت بود و بعد از تقریباً ۱۸ ماه با اینها برخورد شد، آن‌هم چه برخوردی صرفاً در حصر خانگی رفتند. در حالی که اگر در هر کشوری یک سال کشور را آن‌طور متزلزل می‌کردند قطعاً حکمشان چیز دیگری بود.

بله دقیقاً همین‌طور است. اینها مردم را تحریک کردند و کشور را به آشوب و ناامنی کشاندند اما نظام با صبر و شکیبایی با اینها برخورد کرد و حق‌شان را نگه داشت و کوچک‌ترین تعرضی به آنها نکردند. همین رفتار را ما از حضرت علی(ع) می‌بینیم. خوارج مرتب دست به توطئه می‌زدند و مثلاً وسط نماز خواندن حضرت می‌آمدند و بلند بلند قرآن می‌خواندند اما حضرت تا زمانی که خوارج دست به آدم‌کشی نزدند با آنها مدارا کرد و حتی حقوقشان را هم از بیت‌المال قطع نکرد. در کشور ما هم اینها که گفتید خیانت‌ها و ظلم‌های بسیاری کردند، چه آن زمان که در رأس قدرت بودند و چه آن زمان که دوره‌شان تمام شد. همین فتنه ۸۸ را که شما هم اشاره کردید، ببینید. کشور را تا نابودی جلو بردند اما نه محاکمه شدند و نه مجازات. الان هم اگر در حصر هستند نه برای اینکه مجازات شوند بلکه برای این است که باز کشور را به نابودی و ناامنی نکشانند. من خبر دارم با اینها بوده‌ام، واقعاً بعضی از اینها حاضرند کشور دست امریکا و اسرائیل باشد اما اینها در رأس قدرت قرار بگیرند. در مجلس ششم یادتان هست که در مجلس تحصن کردند تا مردم را به حرکت درآورند اما عطوفت اسلامی موجب شد با اینها مماشات شود و حتی حقوقشان از بیت‌المال قطع نشود!